

مورچه هر روز صبح زود سر کار می رفت و  
بلافاصله کارش را شروع می کرد



***Every day, a small ant arrives at work very early and  
starts work immediately.***

FUNIUG.COM



# با خوشحالی به میزان زیادی تولید می کرد



*She produces a lot and she was happy.*

FUNING.COM



رئیسش که یک شیر بود، از اینکه می دید مورچه  
می تواند بدون سرپرستی بدین گونه کار کند، بسیار  
متعجب بود



*The Chief, a lion,  
was surprised to see that  
the ant was working  
without supervision.*

FUNJUG.COM

بنابراین فکر کرد که اگر مورچه می تواند بدون هیچ گونه  
سرپرستی بدین مقدار تولید کند، پس با داشتن یک  
سرپرست حتماً میزان تولیدش بسیار بالاتر خواهد رفت



*He thought if the ant can  
produce so much without  
supervision, wouldn't she  
produce even more if she  
had a supervisor!*

FUNJUG.COM



او بدین منظور سوسکی را که تجربه بسیار زیادی در سرپرستی داشت و به نوشتن گزارشات عالی شهره بود، استخدام کرد



*So he recruited a  
cockroach  
who had extensive  
experience as supervisor  
and who was famous for  
writing excellent reports.*

FUNJUG.COM



# اولین تصمیم سوسک راه اندازی دستگاه ثبت ساعت ورود و خروج بود



***The cockroach's first decision was to set up a clocking in attendance system.***



FUNJUG.COM



# او همچنین برای نوشتن و تایپ گزارشاتش به کمک یک منشی نیاز داشت



# عنکبوتی هم مدیریت بایگانی و تماسهای تلفنی را بر عهده گرفت



... he recruited a spider, who managed the archives and monitored all phone calls.



FUNYUG.COM



شیر از گزارشات سوسک لذت برده و از او خواست که نمودارهایی که نرخ تولید را توصیف می کند تهیه نموده که با آن بشود روندها را تجزیه تحلیل کند. او می توانست از این موارد در گزارشاتی که به هیأت مدیره می داد استفاده کند



*The lion was delighted  
with the cockroach's  
reports  
and asked him to produce  
graphs to describe  
production rates and to  
analyse trends, so that he  
could use them for  
presentations at  
Board's meetings.*

FUNJUG.COM

# بنابراین سوسک مجبور شد که کامپیوتر جدیدی به همراه یک دستگاه پرینت لیزری بخرد

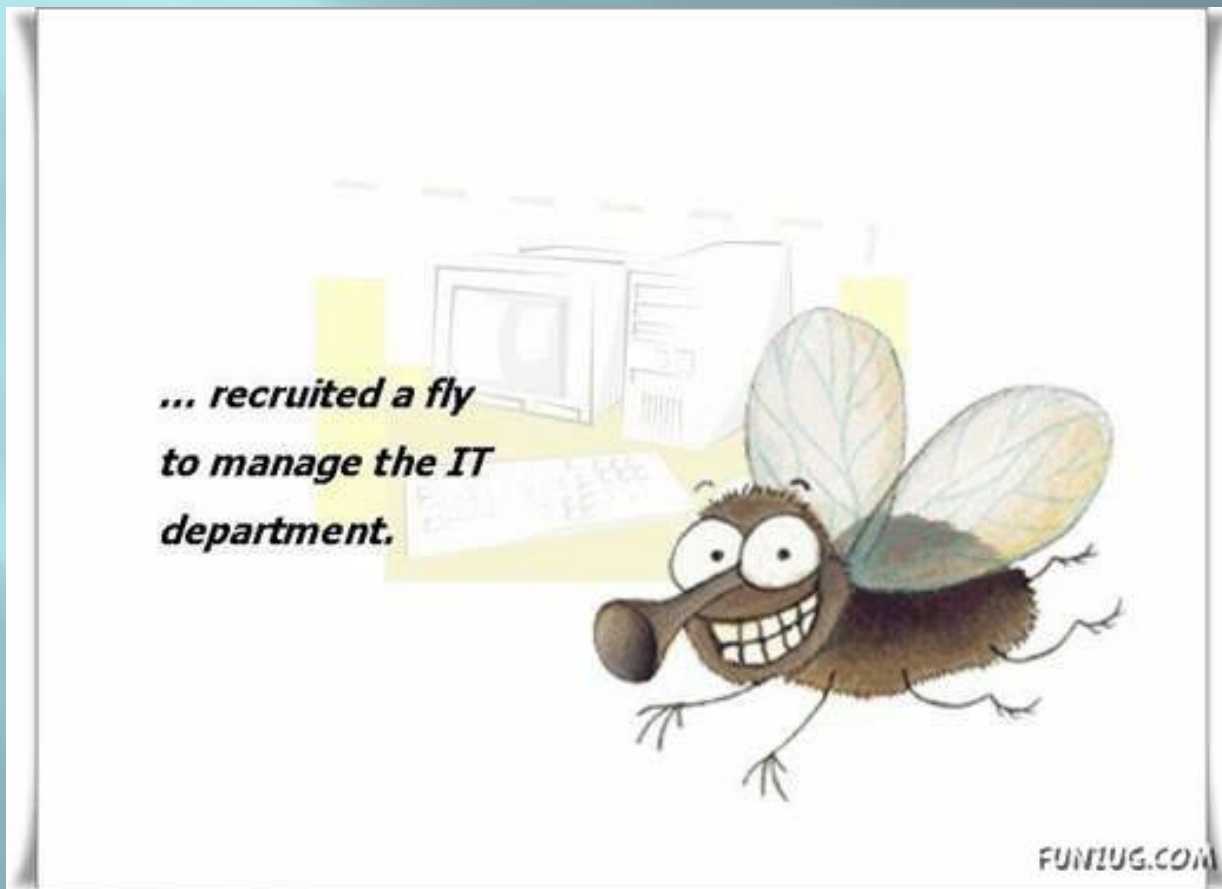


*So the cockroach had to buy a new computer and a  
laser printer and ...*

FUNZUG.COM



# ... او از یک مگس برای مدیریت واحد تکنولوژی اطلاعات استفاده کرد



مورچه که زمانی بسیار بهره ور و راحت بود؛ از این  
حداثاتی کاغذ بازی و جلساتی که بیشترین وقتش  
را هدر می داد متنفر بود



*The ant, who had once been so productive and relaxed,  
hated this new plethora of paperwork and meetings  
which used up most of her time...!*

FUNJUG.COM



شیر به این نتیجه رسید که زمان آن فرا رسیده که  
شخصی را به عنوان مسئول واحدی که مورچه در آن  
کار می کرد معرفی کند



*The lion came to the  
conclusion that it was high  
time to nominate a person in  
charge of the department  
where the ant worked.*

FUNLUG.COM





این سمت به چیرچیرک داده شد. اولین تصمیم او هم  
خرید یک فرش و نیز یک صندلی ارگونومیک برای  
دفترش بود

*The position was given to the  
cicada, whose first decision was to  
buy a carpet and an ergonomic  
chair for his office.*



FUNZUG.COM

این مسئول جدید یعنی جیرجیرک هم به یک کامپیوتر و یک دستیار شخصی که از واحد قبلی اش آورده بود، به منظور کمک به برنامه بهینه سازی استراتژیک کنترل کارها و بودجه نیاز پیدا کرد

*The new person in charge, the cicada, also needed a computer and a personal assistant, who he brought from his previous department, to help him prepare a Work and Budget Control Strategic Optimisation Plan ...*



FUNIUG.COM

اکنون واحدی که مورچه در آن کار می کرد، به مکان  
غمگینی تبدیل شده بود که دیگر هیچ کسی در آنجا  
نمی خندید و همه ناراحت بودند

*The Department where the ant  
works is now a sad place, where  
nobody laughs anymore and  
everybody has become upset...*



FUNJUG.COM

در این زمان بود که چیرچیرک، رئیس یعنی شیر را  
متقاعد کرد که نیاز مبرم به شروع یک مطالعه  
سنجش شرایط محیطی وجود دارد



*It was at that time that  
the cicada convinced the  
boss , the lion, of the  
absolute necessity to  
start a climatic study of  
the environment .*

FUNZUG.COM





با مرور هزینه هایی که برای اداره واحد مورچه می  
شد، شیر فهمید که بهره وری بسیار کمتر از گذشته  
شده است



*Having reviewed the  
charges for running  
the ant's department,  
the lion found out  
that the production  
was much less than  
before.*

FUNZUG.COM



بنابراین او جغد که مشاوره شناخته شده و معتبر  
بود را برای ممیزی و پیشنهاد راه حل اصلاحی  
استخدام نمود.



*So he recruited the  
owl , a prestigious and  
renowned consultant  
to carry out an audit  
and suggest  
solutions.*

FUNZUG.COM

جغد سه ماه را در آن واحد گذراند و با یک  
گزارش حجیم چند جلدی باز آمد. نتیجه نهایی این  
بود: **”تعداد کارکنان بسیار زیاد است“**



*The owl spent three  
months in the  
department and came  
up with an enormous  
report , in several  
volumes,  
that concluded :  
" The department is  
overstaffed ... "*

FUNJUG.COM



حدس می زنید اولین کسی که شیر اخراج کرد چه  
کسی بود؟



*Guess who the lion fires first?*

FUN1UG.COM



مسلماً مورچه؛ چون او عدم انگیزه اش را نشان داده  
و نگرش منفی داشت.

*The ant , of course, because she  
"showed lack of motivation and had a negative  
attitude".*



FUNIUG.COM

تهیه شده در گروه مشاوره مدیریت منابع انسانی رایان راهبرد چابک: □

[www.isurvey.ir](http://www.isurvey.ir) □

شماره تماس ۰۹ - ۴۴۶۶۷۴۰۸ □

فکس ۴۴۶۶۷۳۸۴ □

ایمیل: [hr@isurvey.ir](mailto:hr@isurvey.ir) □

وبلاگ مدیریت منابع انسانی و تکنولوژی: □

[www.iranhumanresources.blogfa.com](http://www.iranhumanresources.blogfa.com) □

